

## گروگان گیری 31 کارگر هزاره یا سر آغاز رسمی جنگ های جدید نیابتی با تشدید اختلافات فرقه ای و قومی در افغانستان و منطقه

هستی آتش گرفته و هزار پاره موروثی، با انسانیت پامال شده تخدیری مجموع باشندگان سرزمینی مسما به افغانستان، محصولی از تداوم دیرینه انسان ستیزی و بیدادگری ها با عناوین مختلفه آن، در گذشته و حال این کشور است، که نمایشگاه عظیمی از همدیگر ستیزی، بیدادگری، تبعیض، تعصب و غیره را با ضرورت نجات انسان بعنوان انسان و از نام انسانیت، به نمایش میگذارد.

تاریخ این سرزمین، با وجود تمامی جعلیات و انحرافات که، در یک فضای جنون آمیز و همیشه جاری خود برتر بینی های کاذب حاکمیت طلبان، با مقاومت جبری حق طلبان و آزادیخواهان، جبراً بدان اعمال گردیده، خود مدرسه بزرگ و آموزنده است از تلاش دادخواهانه انسانیت مظلوم در برابر بیدادگری های بی وقفه ستمگران در سرتاسر این کشور که، تا همین اکنون هم به شیوه های متفاوتی در عرصه نبرد بی انتهای ظالم و مظلوم، ستمگر و ستمکش پابر جاست.

عجیبترین درس این مدرسه، همانا نقش های وارونه عده ای از مدعیان مبارزه راه آزادی و عدالت است که، با استفاده افزاری از مظلومیت و بیچارگی انسان این سرزمین وارد میدان سیاست و فرهنگ گردیده، و اکثر خود به اسارت گران بی رحم و توجیه کنندگان این مناسبات غیر انسانی در جامعه مبدل، و توده های مظلوم دوران خود را مجبور به تحسین ستمگران ماقبل خویش نموده اند.

ناتوانیهای علمی و عملی سیاست پیشگان، در رابطه با توضیح و تعریف حقایق عینی جامعه، و اسارت خود خواسته ایشان در چنگال دیو منحوس تمامیت طلبی ها بر مبنای قوم، قبیله، نژاد، زبان، منطقه، حزب، گروه، دین، تفکر، آیدالوژی و مفکوره های وارداتی، آن تراژیدی بزرگ زندگی دیروز، امروز و فردای مردم ماست که، علاج قطعی آن بمعنی علاج حتمی بخش بزرگی از دردها ورنج های مزمن و کشنده باشندگان این کشور، با شناخت پدیده وحدت بر مبنای کثرت خواهد شد.

اساسی ترین عامل موجودیت روبه رشد تعصب، تبعیض، تحجر، قشریت، گذشته پرستی، نژادپرستی، قوم پرستی، منطقه پرستی، زبان پرستی و غیره در جامعه ما همین موجودیت و فعال بودن بی وقفه و دور از عقلانیت کارخانه های تحمیق، تخدیر و برده سازی توده ها توسط فرهنگیان، روحانیون و سیاستمداران با استفاده افزاری از دین، عقیده، قومیت، قبیله، نژاد، زبان، آیدالوژی، حزب و مفاخر خود ساخته استحصاری از تاریخ و گذشته است که، با نیروی تحمیق و تخدیر هزاران باروحشتناکتر از هروئین، افیون و دیگر مواد مخدر، در جامعه عمل نموده و توده هارا از رجوع به خویشتن شناسی و دریافت شعور اجتماعی در پیوند با واقعیت های انسانی و عینی باز داری مینماید.

قتل وحشیانه فرخنده و گروگانگیری 31 هموطن هزاره ما یکجا با صد ها فاجعه دیگری که همه روزه در سرتاسر کشور از ننگرهار و خوست تا بدخشان و قندوز، از فاریاب و هرات تا غزنی و هلمند اتفاق میافتد همه و همه محصول همین برده سازی فکری در داخل با مداخلات بی وقفه از خارج است که، جامعه ما را از رسیدن به ساحل نجات به شدت باز داری مینماید.

روز های یکشنبه ششم اپریل و شنبه یازدهم اپریل، روز های بی تابی و اشکریزی جمع عظیمی از افغانستانی های مقیم دنمارک در سوگ شهادت مظلومانه فرخنده و اسارت سی و یک انسان هزاره از جانب پاسداران ظلمت و اسارت در میهن عزیز ایشان افغانستان بود.

روز یکشنبه ششم اپریل، روز عزاداری و اعتراض بر قتل فجیع فرخنده شهید در میدان شهر داری کپنهاگن، و روز شنبه یازدهم اپریل، روز راه پیمایی و تجمع هموطنان ما، در مقابل پارلمان دنمارک یکجا با جمع انبوهی از نمایندگان احزاب و کانون های فرهنگی دنمارک، با پیام همدردی و همبستگی با 31 هموطن هزاره ما بود که، در مسیر راه هرات - کابل اسیر طالبان محلی و همکاران خارجی ایشان گردیده اند.

درین راهپیمایی اعتراضی فرصت یک صحبت کوتاه ، در رابطه با علل و عوامل اساسی وقوع اینگونه فجایع، بمن هم داده شد که، فشرده سخنرانی خود را ذیلاً تدوین و حضور شما دوستان تقدیم میدارم:

من بعد از ادای احترام به حاضرین سخنان خویش را روی این چند نقطه اساسی متمرکز ساختم که فشرده آن ذیلاً خدمت شما تقدیم میگردد:

الف - مرور کوتاهی بر علل و عوامل اینگونه حوادث.

ب- ارزیابی مختصر این حوادث بعنوان بخشی از یک توطئه بحران در منطقه و جهان

ج- عوامل وزمینه های اصلی ایجاد و پذیرش اجتماعی بحران در جامعه

د- ریشه های سنتی و تاریخی این فاجعه.

ه- اهداف و برنامه های این مرحله جنگ و بحران

و- تعویض هدفمند طالب با داعش و انتقال جغرافیای جنگ از جنوب به شمال

ز- چه باید کرد ؟

مادرینجا گردهم آمدیم تاهمبستگی انسانی و حمایت همه جانبه خود را، ازرها سازی هر چه زود تر وبا عافیت 31 کارگر تهیدست وزجر کشیده هزاره ابراز واین عمل غیر انسانی راتقبیح نماییم .

حضور این جمع بزرگ را با این ترکیب وتنوع گسترده از پناهندگان افغانستانی که ما عملاً شاهد

حضور نمایندگان تمامی اقوام وملیتهای سرزمین خویشنتیم، بفال نیک آگاهی وهمبستگی آگاهانه مردم

خود گرفته، قلباً آرزو دارم که این همبستگی در یک روال هدفمند وانسانی تا بی نهایت تاریخ تمدید

ومنجر به به گامگذاری های بزرگ در راستای اعمار یک جامعه فارغ از نابرابری وبیداد ، تبعیض

وتعصب، خود برتر بینی وتمامیت خواهی در سرزمین ماشود.

امروز از اسارت 31 هموطن هزاره خود حرف میزنیم واین عمل رابعنوان یک عمل دغیر انسانی

وغیر اسلامی محکوم میکنیم.

هرچندی که وقوع اینگونه برخورد های وحشیانه وغیر انسانی برخاسته از نفرت، کینه وتعصب کور

نژادی مذهبی ، قبیلوی منطقوی وغیره، در سرزمین کثیرالملیه افغانستان تازگی ندارد، وتاریخ این

سرزمین هزاران نمونه وحشتناک ودور از تصور چنین فجایع رادر سینه خود ثبت ونهان دارد.

اما زمان ومکان وقوع این فاجعه، با در نظر داشت اوضاع سیاسی وامنیتهی حساس ونا مناسب

کشور، بامسأله روبه رشد شکل گیری توطئه بحرانها در بخشهایی از جهان ، خصوصاً کشور های

اسلامی، ما وقوع این فاجعه را با حوادث مرتبط با آن در نقاط مختلف کشور، حامل پیام های شوم

وناخوشآیندی میدانیم که ، بیشترین از طرح وتطبیق مانور گونه این توطئه خائینانه، در مطابقت با

خواست ونیاز حاکمیت قبیلوی فاشیستی موجود در صحنه سیاسی مملکت از داخل وکشور های حامی

جنگ وتروریسم در سطح جهان ومنطقه هوشدار میدهدکه، مردم افغانستان بعنوان یکی از اولین

قربانی های اینگونه توطئه های بحران وجنگ های نیابتی، طی بیشتر از چهار دهه متوالی طعم تلخ

این فاجعه را بگونه های مختلفی تجربه نموده، وهنوز هم در باتلاق پروژه های استراتژیکی وتکتیکی

بحران های توطئه از داخل وخارج دست وپا میزنند.

اما ماهیت این مرحله توطئه بحران در سرزمین ما، در پلان وپروژه مرتبه حامیان وآفریدگاران جنگ

وتروریسم در جهان ومنطقه، بمراتب وحشتناکتر وسبعانه تراز قبل میباشد.

درین مرحله ما شاهد شکل گیری پروژه های جدید بحران ، با هدف انتقال جغرافیای جنگ از جنوب

وشرق به شمال وغرب، ومناطق امن مرکزی کشور، با استفاده از تفاوت های قومی، قبیلوی، نژادی

ومذهبی مردم خویش بوده، تکرار فاجعه عراق، سوریه، یمن ولبنان را، با شکل گیری جنگهای

فرقوی ونیابتی شیعه وسنی ، براساس پروژه خاور میانه بزرگ امریکا ، ودخال مستقیم عربستان

سعودی ، امارات، پاکستان، تورکیه از یک طرف وایران با متحدین آن از جانب دیگر خواهیم بود که،

روی تأمین زمینه های عملی آن از مدتها قبل کار صورت گرفته است.

البته موجودیت عینی وتاریخی روح وروان تمامیت طلبی وانحصار گری در حلقات سیاسی ، دینی

وفرهنگی قبایل حاکم، خود بزرگترین عامل وحامی این فاجعه در افغانستان است که،

ما هزاران نمونه ماضی و حال این پدیده شوم را میتوانیم عملاً مورد مطالعه قرار دهیم که درینجا از آن بادر نظر داشت ضیقی وقت صرف نظر میگردد.

اما محتوا و مضمون این گروگانگیری و حملات اخیر مرتبط با آن در غور، بلخاب، میدان و وردک، ارزگان و غیره مناطق که، مستقیماً هموطنان هزاره ما را هدف قرار داده و میدهد، پیام آور یک توطئه وحشتناک، خلق جنگ های جدید نیابتی، با دامن زدن به تنش های تباری و مذهبی در سرتاسر کشور است که، مانمونه زنده آنرا بافجایع برخواسته از آن در یمن، سوریه و عراق شاهد هستیم. درینجا انتخاب خلق هزاره از جمع دیگر اقوام و ملیت های ساکن کشور بعنوان نماینده تشیع، با داشتن خصیصه های نژادی و ملی مختص بخود (در حالیکه هزاره یک ملیت است نه یک مذهب، که در ترکیب آن چندین گروه مذهبی دیگر منجمله اهل تسنن وجود بارز دارند) کاملاً یک امر آگاهانه و پلان شده است که هدف عمده آنرا، انقطاب مذهبی نژادی جامعه و شعله ور سازی دور جدیدی از جنگ های نیابتی با مداخله ایران و سعودی تشکیل میدهد. اهداف اساسی این توطئه:

- 1- الف- مشتعل ساختن درگیری های قومی، مذهبی و نژادی
  - 2- ممانعت از پروسه دولت سازی بر پایه اشتراک منافع مجموع باشندگان افغانستان
  - 3- سبوتاژ پروسه تعدیل و اصلاح قانون اساسی، قانون انتخابات، با دامن زدن بر بحران ها
  - 4- فراهم سازی زمینه های باز پس گیری بعضی امتیازات سیاسی و دولتی به نفع تمامیت خواهان که، طی سالیان اخیر جبراً به نمایندگان اقوام و ملیت های محکوم کشور انتقال یافته است.
  - 5- تدارک شرایط مناسب برای انتقال جغرافیای جنگ از جنوب به شمال و مناطق غربی کشور با ناامن سازی ساحات مرکزی.
  - 6- تفویض مواضع طالبان که عمدتاً دارای عقاید قبیلوی مذهبی میباشند، به داعش با مشخصات فرا ملیتی دینی، بر محور تسنن و هابی- سلفی، در ضدیت با تشیع فرامیلیتی و لایت فقیه.
  - 7- فراهم سازی زمینه های عملی مشارکت طالبان در دولت که سیاستمداران و فرهنگیان قبایلی کشور سخت بدان دلبستگی دارند.
  - 8- متوقف ساختن و ضربه زدن به پروسه مدرنیزاسیون و موکراتیزه نمودن حیات جامعه.
  - 9- کشاندن روند تعدیل و اصلاح قانون اساسی کشور به نفع طالبانی ساختن قوانین و امحای مفاد دموکراتیک آن.
  - 10- مبدل سازی افغانستان بیک مرکز تولید و صدور تروریسم و بنیاد گرایی در منطقه.
  - 11- تعمیم یک دور جدید جنگ های نیابتی و فرسایشی با دست اندر کاری سلفی ها و وهابی های سعودی از یک طرف و نظام ولایت فقیه ایران از جانب دیگر در افغانستان و منطقه.
  - 12- تأمین منافع تکنیکی و استراتژیکی غرب و آمریکا در مطابقت با سیاست خاور میانه بزرگ امریکا و لیبرالیسم نوین، در آسیای میانه و قاره آسیا، همزمان با افریقا و امریکای لاتین.
- در نهایت جهان شاهد این حقیقت است که، امریکا و ناتو با استفاده افزاری از نام دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق و آزادیهای زنان و غیره مصروف پیاده سازی دور جدیدی از استعمار بر جهان بوده، اشتعال جنگهای نیابتی با محتوای فر قوی مذهبی، قومی قبیلوی، نژادی و غیره یکی از عمده ترین افزار تعمیم این هدف در جهان امروز است.
- در قرن بیست و یکم تاریخ، از جانب کشور های سیطره جو ی سرمایداری بمب های دموکراسی، حقوق بشر، حقوق و آزادی زنان، بازار آزاد، آزادی بیان، مطبوعات آزاد و غیره به عنوان سلاح های به مراتب مخربتر و خطرناکتر از بمب های اتم و دیگر سلاح های تخریب جمعی مورد بهره برداری قرار میگیرد که، ثمره آن آتش جنگی است که بخش بزرگی از کره خاکی ما را به شمول میهن عزیز ما از مدتها بدینسو فرا گرفته است.
- پس هموطنان رنج دیده ما در سرتا سر کشور، بدون در نظر داشت قوم و قبیله، تبار و نژاد، عقیده و مذهب، زبان و فرهنگ آگاه باشند که، غایه شوم این توطئه به بحران کشیدن بیشتر از پیش پروسه

همزیستی اقوام و ملیت های باهم برادر افغانستان وزمینه سازی برای استقرار نیرو های وحشی و خونخوار وهابی،سلفی تحت نام داعش، با عمل کردبالمثل سپاه ویسیج ایران با استفاده افزاری از تشیع وتسنن درین کشوراست که، داعش از مدتها قبل با اعلان ایالت خراسان در محدوده جغرافیای افغانستان وبخشی از کشور های همجوار روی تحقق این پلان و پروژه مصروف کار بوده وایران هم هیچگاهی دوست بی مدعا با مردم افغانستان نبوده ونیست.

بازی های مرموز رئیس جمهور غنی در رابطه با مسایل حاد وروزمره افغانستان، تعلل وسنگ اندازی در پروسه اصلاحات قانون وکمیسیونهای مستقل انتخاباتی، عقد پیمان های جدید منطقوی با پاکستان وعربستان، رها سازی اسرای طالب و عذر خواهی از طالبان وحلقات تروریستی، وبی تفاوتی های عمدی آن در قبال کشتار وفعالیت های تروریستی روز مره طالبان درسر تاسرکشور، وتلاش در جهت برائت دادن طالبان در قبال این فجایع، با نسبت دادن آن به نیرو های خارجی، برخورد تکتیکی وروزمره او ومسئولین امنیتی دولتش در قبال فاجعه گروگانگیری هزاره ها وجنگ های بدخشان وفاریاب بخودی خود باز گو کننده حقایق پشت پرده در رابطه با پلان های شوم بعدی در آینده های نه چندان دور میباشد.

که مسلماً دست کشور های همسایه ووهابیت سعودی با متحدین بزرگ وجهانی ایشان درین قضیه دخیل است

تلاشهای مذبحخانه مقامات امنیتی ودولتی افغانستان در رابطه با منحرف ساختن ذهنیت عامه مردم در رابطه با هویت عاملین این گروگانگیری ، با ارتباط دادن این فاجعه به طالبان ازبیکستان وخارجی ، سخت مفتضح ورفقت آور است.

زیرا مشخصات محل ومنطقه با خصوصیات باشندگان آن بر هیچکسی پوشیده نیست، وهیچ طالب ازبیکستانی ویا چیچینی در صورت نداشتن حمایت محلی وکسب همکاری باشندگان بومی قادر به انجام چنین کاری نیست ونخواهدبود!

حقیقت روشن است وطالبان وحشی باوجود تمایل بی حد ومرزی که، دولت مردان قبیله سالار افغانستان ، در شریک سازی طالب ها، واستفاده افزاری از وجود این آدمکشان بی رحم در جهت سنگین ساختن پله ترازو به نفع حاکمیت تمامیت طلبانه قبیله قبیله خویس ابراز میدارند، این جنایتکاران مزدور وتیکه داران تولید وقاچاق مواد مخدر، که در مکتب های قبیله پرستی وبیگانه پرستی آموزش دیده، وبه نان خوردن از میله تفنگ ونوکری اجانب عادت کرده اند، به هیچ وجه آماده عدول از مواضع فاشیستی مافیایی خود نبوده ، با استفاده عملی از باور های انحرافی برادران نژادی قبیله خود در دولت، سرنوشت مردم افغانستان را در کل ببازی گرفته، تا زمان تحقق پلان وپروژه های خود واربابان خویس هیچگاهی دست از جنگ وکشتار مردم بیگانه نخواهند کشید.

اگر تا امروز زیر نام مجاهد وطالب به ترور وکشتار هموطنان ما عمل مینمودند، بعداز این تحت نام داعش وخلافت اسلامی وارد این عرصه گردیده، به فاجعه ترور وتداوم بد امن سازی کشور ما تداوم خواهند بخشید.

البته مهره های سوخته طالبان وارد حوزه کار دولتی گردیده، یکجا با دیگر برادران خونی ومکتبی خویس همچون یونها، خرم ها ، زاخیل وال ها وغیره که همیشه در مراکز تصمیم گیری دولت حضور فعال داشتند، کار های خانگی عقب افتاده خود را، در تعدیل قانون اساسی ودیگر قوانین کشور اعمال خواهند نمود.

پس بر مردم افغانستان است که همه باهم، در هر جایی که قرار دارند، در جهت دفع این فاجعه ، با افشای دسایس پشت پرده قد علم نموده، بر دولت، مسئولین امنیتی، ونیرو های بین المللی مستقر در افغانستان ، با بر پا نموده اعتراضات دوامدار خود فشار وارد نمایند که، از پیشرفت این پروژه خونین جلوگیری ، وبه آزادی کارگران مظلوم هزاره از چنگ آن پاسداران ظلمت وتباهی انسان وانسانیت مساعی عملی ودور از ریا کاری ها صورت گرفته، از تبدیل شدن این شیوه گروگانگیری ، به افزار امتیاز گیری، از جانب حلقات تروریستی برای همیشه نقطه پایان گذاشته شود.

ما یقین کامل داریم که در صورت انکشاف و خنثی نه شدن این پدیده شوم، مفهوم باارزش هموطنی در بین جمعیت چندین ملیتی کشور بکلی مخدوش و سوء اعتماد در روابط باهمی تمامی اقوام و ملیت های ساکن این کشور رخنه خواهد نمود، که بکلی یک امر فاجعه بار است!!!!

بگذارید درین سرزمین، تمامی اقوام و ملیت های ساکن در آن، در یک فضای اخوت و برادری، با حفظ هویت ها، فرهنگ ها و افتخارات انسانی خویش، همه باهم فرهنگ همزیستی انسان مدارانه را از آن خود ساخته، مفاهیم منحوس قوم برتر، قبیله برتر، نژاد برتر، خون برتر، زبان برتر، فرهنگ برتر و غیره را، بعنوان سرمنشأ اساسی قدرت طلبی، تمامیت خواهی، استثمار، استعمار، بیعدالتی و غیره اختلافات قومی، قبیله‌ای، مذهبی، نژادی، لسانی، فرهنگی، منطوقی از قاموس زندگی باشندگان جفا دیده و مظلوم میهن خویش، برای همیشه پاک، و برادری همگانی را در میزان برابری حقوق و همه مزایای زندگی برای تمامی هم میهنان خویش پذیرا شویم.

خوش باشد آن روز که هر یک در سفره خویش از حاصل دسترنج خویش، خود و فرزندانشان خود را تغذیه، و میهن مشترک را در اتحاد و باهمی، بدور از همه انواع بیدگریها و نابرابری ها آباد و پاسداری نماییم.

و همه باهم فریاد کشیم که اگر هزاره بودن جرم است، پس ماهمه هزاره ایم.

اگر تعلق داشتن به هر یک از اقوام و ملیت های شرافتمند این سرزمین که، با دید برتری جویی و امتیاز طلبیها، توأم باشد و تخم تبعیض و بیعدالتی را بار آور سازد از آن بیزاریم و منفور، و آنرا نمادی از فاشیسم و راسیسم بحساب می‌آوریم. ولی انسانیت را بعنوان هویت ازلی و ابدی خود در نظام آفرینش پاس میداریم و هویت های جداگانه هر کتله انسانی را، بحیث حق طبیعی و انسانی ایشان عملاً احترام میگذاریم.

و امید وار آنیم که هر هموطن ما آنچه را که بعنوان حق و امتیاز برای قوم و قبیله خود خواهان است، از دیگر هموطنانش دریغ ندارد، و آنچه را که، نبود و سلب آنرا، جفا و ستم بر حق و حقوق انسانی خود و ملیت خویش محاسبه میدارد، با همگان و تمامی هموطنان خویش اینچنین دآوری و محاسبه بدارد.

تا ما همه بتوانیم بادرک دقیق و انسانی از مفهوم روابط هموطنی، مفاهیم زشت ظالم بودن و مظلوم بودن را از قاموس زندگی همگان پاکسازی، و همزیستی انسانی و شرافتمندانه را، در یک فضای قانون مدارانه و عدالت پرورانه نصیب همگان سازیم.

هزاره، ازبیک، تورکمن، بلوچ، نورستانی، پشه‌ای، قرغیز، قزاق، بیات، قزلباش، تاتار، ایماق، واخی، هندو، سیکهه، روشانی، عرب، چچگر، تاجیک، پشتون و هر آن گروه انسانی دیگری که ساکن این خطه اند، همانند تمامی ابنای بشر، همه انسان دارنده هویت جمعی انسانیت که با نام و نسب و هویت های جداگانه قومی و فرهنگی آنها تکمیل میگردد.

پس بیایید در پهنای این سرزمین با تکیه بر آگاهی و خرد، از تجارب خونینی که از تاریخ خونبار میهن خویش آموخته ایم، عبرت اندوزیم، و نگذاریم که، تفرقه و تبعیض، برتری جویی و تمامیت طلبی، مانع از تحقق صلح و برادری در بین باشندگان چندین ملیتی کشور ما با برخورداری از عدالت و برابری گردد.

بگونه حتم همبستگی صادقانه و بی ریای سرتاسری ما راه بازگشت سالم برادران اسیر هزاره ماراهموار، و راه های مردود تفرقه و تبعیض را در پهنای میهن مشترک و خانه مشترک همه ای باشندگان این سرزمین مسدود میگرداند، و مسیر بیداد و بی عدالتی را در برابر تمامی هموطنان ما مسدود میسازد.

به شرط آنکه به حق و عدالت با عقل و خرد از صمیم قلب باور و ایمان داشته باشیم و از بی عدالتی و زور گویی ها در کلیه اشکال آن آگاهانه و خردمندانه دوری جویم.

مفهوم واقعی عدالت این نیست که، ما به زورگویی و امتیاز طلبی های نامحدود و غیر انسانی بخشی از باشندگان این سرزمین با عناوین منحنی اقلیت و اکثریت، بومی و بیگانه، آریایی و غیر آریایی، سنی و شیعه، دارنده این زبان و آن زبان و غیره اراجیف تمکین نموده، و در رابطه با دستیابی به حقوق برابر شهروندی و حفظ هویت های تاریخی و انسانی خویش، سیطره استعماری حاکمیت طلبان و تمایز

خواهان را پذیرفته و در سرزمین آبیایی خود گرفتار اسارت سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی هموطنان حاکمیت طلب خود شویم.

آیا ذلتی بدتر از این در جهان وجود دارد که، تو در خانه آبیایی خویش از حقوق همزیستی و همخانه بودن در خانه مشترک محروم ، و در رابطه با حقوق طبیعی و انسانی ات، مظلومیت را بعنوان شرط حیات و تقدیر شوم دایما پذیرا باشی!!!!

هدف دشمنان مردم افغانستان در مجموع، جاری و دایمی نگهداشتن امر ستمگری مستمروبی عدالتی های مزمن بعنوان سر منشأ اصلی نفاق و پراگندگی، تبعیض و تعصب تا لایتناهی تاریخ است، تا آن بیداد گران بی مروت همیشه بتوانند از آب گل آلود روابط نا متعادل هم میهنان ما، ماهی گرفته ، مردم مظلوم این خطه را، اجباراً از رسیدن به یک زندگی آبرومند با تأمین مناسبات عادلانه انسانی مانع شوند.

توطئه گروگان گیری برادران هزاره در ارزگان، کشتار جمعی سربازان در بدخشان، کشتار وحشیانه مردم توسط عاملین ترور و جنایت در خوست، حمله به ریاست سارنوالی در مزار، جابجا سازی کتلوی تروریست ها در فاریاب، کشتار خانواده های بیگناه در لوگر و غزنی، انفجارات اخیر ننگرهار و غیره نقاط این کشور، تماماً مرتبط است با توطئه ایجاد و تداوم بحران در کشور و محروم سازی مردم از رسیدن به صلح و سعادت واقعی!

آنانیکه نان و نمک اجانب را در بهای جان، مال و ناموس هموطنان بی دفاع خود بر خویشتن پذیرفتنی میسازند، و میله تفنگ را با سیطره اجانب وسیله دستیابی به ، جاه، مال و مقام قرار داده اند کثیف ترین و نامرد ترین موجودات عالم اند که، احساس انسان بودن در وجود ایشان با غریزه منفعت و ثروت تعویض گردیده است.

با آگاهی و خرد ، این حیوانات دوپا و بی عاطفه را از جامعه برون رانید، و فضای همزیستی انسان مدارانه را، با یک همبستگی واقعی و انسانی ، در سرتاسر کشور، فارغ از سایه و حضور این جانیان برای خود فراهم سازید.

به امید فرارسی آن لحظات مسیحایی در حیات باشندگان این سرزمین.

ما چشم براه رهایی 31 هم میهن اسیر خودیم ، و از هر قوم و تباری که باشند برادر و هم میهن مانند. ما همه انسانیم و در انسانیت باهم برادریم.

مادامیکه این حقیقت را درک و از آن خود نسازیم ما همه اسیریم و برده جهالت خود خواسته!!!  
تشکر از توجه شما،